



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

مفروضات بنیادین فرهنگ عمومی



دو مفهوم بنیادین: کودکی و ادبیات کودک و نوجوان

دکتر مریم جلالی

چکیده

برای پرداختن به هر مبحثی ضروری است که جوانب مختلف آن شناخته شود. اهمیت کودکان و نوجوانان در عصر حاضر و انتقال میراث ادبی به این نسل سبب شده است که مفهوم کودکی و ادبیات کودک و نوجوان مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار بگیرد. در پی این مفهوم، تاریخچه، تعریف، قلمرو و محدوده و ضرورت وجود ادبیات کودک و نوجوان نیز ذهن بسیاری از صاحب نظران را به خود معطوف کرده و شرایطی را فراهم ساخته است تا در این باره به بحث و تبادل نظر بپردازند.

در این مقاله به بررسی مفهوم کودکی و وضعیت آن در عرصه‌های اجتماعی سده‌های نخست اروپا، جامعه‌ی ایران باستان، جامعه‌ی صنعتی و چگونگی تثبیت آن در جامعه‌ی امروزی پرداخته‌ایم؛ سپس تئوری‌ها و تعاریف مربوط به ادبیات کودک و نوجوان را از منظر هنر، آموزش، تاریخ و فرهنگ مطرح و مقایسه کرده‌ایم. کلید واژگان: ادبیات، مفهوم کودکی، تئوری، کودک و نوجوان. جهان، دستیابی به پیشرفت و تکنولوژی خود را مدیون زنان و مردانی است که کودکان دیروز بودند.

۱ - مقدمه

یکی از مفاهیم مهم و اساسی که در علوم مربوط به کودکان مطرح می‌شود مفهوم کودکی است. این مفهوم و تعیین محدوده‌ی آن، چندی است که مورد توجه محققان و پژوهشگران علوم مختلفی چون ادبیات، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی و... قرار گرفته است. پرداختن به مفهوم کودک و کودکی، سبب شده است که دریچه‌های تازه به کشف کیفیت‌ها و خصایص این دوره گشوده شود و بسیاری از کشورهای توسعه یافته را بر آن داشته است تا با استفاده از یافته‌ها و دیدگاه‌های تازه در این باره، نیازها و علایق و خواسته‌ی این گروه را جزو اولویت‌های جامعه‌ی اجتماعی قرار دهند و امکانات گسترده‌ی مناسبی را در اختیار کودکان بگذارند.

بدیهی است که پدیده‌ی مفهوم کودکی در جهان یک‌باره رخ نداده است بلکه گذشت زمان و تحولات مختلف علمی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در ایجاد و تکمیل این فرایند دخیل بودند. «بحث تحول تاریخی مفهوم کودکی نه تنها در ایران بلکه در کشورهای اروپایی بحثی جدید و تازه است... شناخت مفهوم کودکی، پیش‌نیازی مهم برای ورود به حوزه‌ی ادبیات کودک است و بسیاری از مشکلات ما در این حوزه به عدم آشنایی‌مان با مفهوم کودکی بازمی‌گردد» (شاه‌آبادی، ۱۳۸۵). از سویی دیگر جهان پیشرفته‌ی امروز دستاوردهای ارزنده‌ای را برای جامعه‌ی کودکان و نوجوانان به ارمغان آورده است. هر ساله سمینارهای بی‌شماری در سطح جهان برگزار می‌شود که تلاش آنان در معرفی و تهیه‌ی خواندنی‌ها برای کودکان و نوجوانان است. بی‌گمان در آینده‌ی آثار کودک، می‌توان جلوه‌های مختلف زندگی را به نمایش گذاشت و همین امر دلیلی موجه در پرداختن به بنیادها و تئوری‌های مربوط به ادبیات کودک و نوجوان است.

۱-۱ مفهوم کودکی

۱-۱-۱ مفهوم کودکی در سده‌های اولیه‌ی اروپا

بر اساس تحقیقات به عمل آمده در اروپا، ابتدا مرز مشخص فرهنگی و اجتماعی میان مفهوم کودکی و بزرگ‌سالی وجود

نداشت. کودکان از هیچ جایگاه و شأن اجتماعی برخوردار نبودند و گاه به عنوان یک کالا مورد خرید و فروش قرار می‌گرفتند. آنان غالباً از خانواده جدا می‌شدند و با سخت‌گیری انضباطی پرورش می‌یافتند. (دورانت، ۲/۱۳۷۰) در خانواده‌های رومی پدر خانواده مالک فرزندان محسوب می‌شد و مرگ و زندگی و خرید و فروش کودک در قبضه قدرت او بود (همان، ۳) و معمولاً آنان پس از سپری کردن مرحله بیولوژیک وادار به آموختن مهارت‌های زندگی می‌شدند و انتظارات بزرگسالان را برآورده می‌ساختند.

این امر تا سده‌های میانه نیز ادامه داشت. فلیپ آریز^۱ یکی از پژوهشگرانی است که سال‌ها درباره‌ی ساختار خانواده در سده‌های میانه‌ی اروپا تحقیق کرده است. او در پژوهش‌هایش به این نتیجه رسید که، کودکان اروپایی در سده‌های میانه پس از جدایی از مادر به گروه بزرگسال می‌پیوستند و همپای آنان وارد عرصه‌های کار و فعالیت اجتماعی می‌شدند. (به نقل از پولادی، ۱۳۸۷)

۱-۲-۱ مفهوم کودکی در دوره‌ی ایران باستان

وارد شدن کودکان در میدان‌های کار و تلاش در دوره‌ی ایران باستان نیز به چشم می‌خورد؛ در برخی از لوحه‌های گلی تخت جمشید، به کار کردن کودکان و مزد گرفتن آنان در دوره‌ی هخامنشیان اشاره شده است. (گیرشمن، ۱۳۶۸) از سوی دیگر در این دوره آموزش و تربیت کودکان برای خانواده‌های ایرانی بسیار مهم و ارزشمند شمرده می‌شد، البته التفات تنها در جهت تأمین آینده‌ی خانواده بود.

باستان‌شناسان از منطقه‌ی شوش حدود سی صد نمونه لوح گلی پیدا کردند که مربوط به ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح است. این لوح‌ها به خط میخی نوشته شده و از ظاهر نوشته‌ها پیداست نخست استاد، در بالای لوح برای کودک سرمشق نوشته، سپس این سرمشق توسط نوآموز بازنویسی می‌شد. (محمدی، ۱۳۸۴: ۱/۱۲۴)

به علاوه داستان‌ها و روایات زیادی از دوره‌های پیشین در دست است و در بسیاری از این متون به کودکان و چگونگی تربیت و آموزش آنان اشاره شده است. شاهنامه‌ی فردوسی یکی از این آثار است. کودکی فریدون (فردوسی، ۱۳۷۹: ۳۰-۳۱) قسمتی از کودکی زال (همان: ۶۹-۶۸) قسمتی از کودکی رستم (همان: ۱۱۱-۱۰۸) قسمتی از کودکی سهراب (همان: ۱۸۸) کودکی سیاوش (همان: ۲۱۷) کودکی کیخسرو (همان: ۲۸۶-۲۸۴) کودکی بهرام پسر یزگرد بزه‌گر (همان: ۹۵۹-۹۵۶) کودکی نوشزاد پسر نوشیروان (همان: ۱۰۹۶-۱۰۹۰) کودکی اردشیر (همان: ۸۸۶) کودکی اورمزد (همان: ۹۲۷) کودکی شاپور (همان: ۹۰۸-۹۰۷) کودکی شاپور ذوالاکتاف (همان: ۹۳۴) کودکی شغاد (همان: ۷۸۷) کودکی بهمن (همان: ۷۸۴) و کودکی دیگر شاهان و نامداران شاهنامه از این نمونه‌اند.

یکی از نکات قابل توجه در دوره‌ی باستان ارزش و اهمیت کودکان ذکور نسبت به دختران است؛ تأکید بر وجود فرزندان مذکر در میان خاندان شاهی، گویی بیانگر این اصل است که به ثمر رسیدن جانشینی، با وجود جنسیت مذکر میسر است (صفاری، ۱۳۶۹) (از طرف دیگر کودکان پسر در این دوره کمک‌احوال اقتصاد خانواده محسوب می‌شدند (دورانت، ۱۳۷۰) و اشتغال این دلیل در میان خانواده‌های معمولی جامعه بیشتر بود.

با این وجود نمی‌توان به صراحت گفت که کودکان در دوره‌ی ایران باستان جایگاه مختص به خود را داشتند و از حقوق مجزایی برخوردار بودند.

۱-۳-۱ مفهوم کودکی در جامعه‌ی صنعتی

پیدایش جامعه‌ی جدید صنعتی، یکی دیگر از عوامل ایجاد تعریف و تعیین دوران و مفهوم کودکی است. «وقوع رنسانس و انتقال از جامعه‌ی فئودالی به جامعه‌ی بورژوازی سهم مهمی در تغییر نگرش جامعه‌ی اروپا نسبت به مفهوم کودکی داشت. این تحول که سرانجام با وقوع انقلاب صنعتی به اوج خود رسید، مفهوم امروزی دوران کودکی را شکل داد.» (شاه‌آبادی، ۱۳۸۵)

با توجه به این نگرش برای رشد تکنولوژی، افزایش میزان بازدهی کار، بالا رفتن میزان تولید و رواج تحصیل جامعه، نیازمند پرورش افرادی بود تا مهارت‌های لازم را کسب کرده باشند و کودکان تنها کسانی بودند که می‌توانستند این امکان را از پایه، برای اجتماع فراهم سازند. به منظور تحقق این ثنوری، در دوره‌ی رشد جامعه‌ی صنعتی، کودکان زمان طولانی‌تری را به دور از کار و تکلیف اجتماعی به سر بردند و این‌گونه، برای آنان دوران کودکی پدید آمد و تعریف شد. (پولادی، ۵۳: ۱۳۸۴)

تلاش برای بهره‌مند کردن کودکان از امکانات اولیه‌ی رفاهی، در این دوره شکل گرفت، اما مشکل اینجا بود که کودک، ابزار ابتدایی رشد تکنولوژی به حساب می‌آمد؛ کودکان عوامل غیر مولد جامعه محسوب می‌شدند و برای اینکه در آینده تبدیل به نیروهای مولد و مالیات دهنده شوند، لازم بود که برای آن‌ها سرمایه‌گذاری شود. جامعه‌ی صنعتی در این جهت، در جست‌وجوی راهی بود تا با سرمایه‌گذاری کمتر درآمد ملی را بالا برده و به نتایج سریع‌تر و بهتری دست یابد.

۱-۴-۱ مفهوم کودکی و حقوق بشر

با گذشت زمان بزرگسالان به تمایز و تفاوت نیازهای دوران کودکی پی بردند و آنان را به عنوان یک گروه مستقل اجتماعی پذیرفتند.

در نخستین تعریف رسمی از مفهوم کودکی، کودک انسانی معرفی شد که به لحاظ سنی، در گروه بزرگسالان قرار نمی‌گرفت. (فاکس، ۱۹۹۹) با توجه به این تعریف، گروه دیگری باقی می‌ماندند که نه کودک بودند و نه بزرگسال، بلکه نوجوان محسوب می‌شدند. ابتدا در دهه‌ی ۱۹۴۰ مفهوم نوجوانی به شکل مستقل مطرح شد. چیزی نگذشت که در همین دوره، مفهوم نوجوانی در زیرمجموعه‌ی مفهوم کودکی قرار گرفت. (همان، همان) رفته رفته این تعریف در چهارچوب قانون قرار گرفت و در پیمان‌نامه‌ی حقوق جهانی علاوه بر تعریف مفهوم کودکی حقوق مجزایی نیز برای آنان تعیین شد. در اولین ماده‌ی پیمان‌نامه‌ی جهانی حقوق کودک، به طور عام، یونیسف کودک را کسی معرفی می‌کند که به لحاظ سنی کمتر از ۱۸ سال باشد. (یونیسف، ۱: ۱۳۸۳) لازم به ذکر است این قانون در تبصره‌های یونیسف تعدیل شده و در نهایت معیار نهایی این رقم، ملاک سن قانونی هر کشور اعلام شده است. (همان، همان) مسلم است که تعبیر یونیسف از کودک، گروه سنی نوجوانان را نیز تحت پوشش خود قرار داده است. تفاوت باورها در مورد محدوده‌ی سنی کودکان را نیز در این میان نمی‌توان نادیده گرفت؛ گمیچ دوره‌ی کودکی اولیه را از تولد تا ده‌سالگی مطرح کرده و الوین تاریخ‌نگار اجتماعی این دوره را تا چهارده‌سالگی به رسمیت شناخته است. مایلز دوران کودکی را تا هجده‌سالگی به حساب می‌آورد و آن را قانونی بین‌المللی می‌شمارد که بر اساس توافق سال ۱۹۹۰ بین بیست کشور تصویب شده است. (به نقل از خسرونژاد، ۱۳۸۲)

۲-۱-۱ تعریف ادبیات کودک و نوجوان

۱-۱-۲ ادبیات کودک و هنر

در بسیاری از تعاریف مربوط به ادبیات کودک، لفظ ادبیات در کنار لفظ هنر قرار می‌گیرد تا تأکیدی بر اصل موضوع زیبایی‌شناسی باشد. به عنوان مثال در فرهنگ‌نامه، ادبیات کودک و نوجوان چنین تعریف شده است: «... نوشته‌ها و سروده‌هایی هستند که ارزش ادبی و هنری دارند و برای کودکان و نوجوانان پدید می‌آیند». (توران میرهادی، ۲: ۱۳۷۱) با اندکی تأمل در این تعریف می‌بینیم که ارزش ادبی و هنری در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند.

درک هنر و لذت از زیبایی‌های آن، به بزرگسالان منحصر نمی‌شود، بلکه کودکان نیز به اندازه‌ی خود از آن بهره می‌برند. برقراری ارتباط درست کودک با مقوله‌ی هنر سبب می‌شود تا هنر در عمق وجود او راه یافته و خلاقیت‌های ذهنی‌اش بارور شود. ایجاد فضای ذهنی آرام‌بخش به منظور کشف تازه‌ها، فعال کردن قوه‌ی تخیل، کسب تجربیات جالب و ایجاد زمینه‌ی تفکر، فعال کردن نیم‌کره‌ی راست مغز، کاهش احساس خشم، نفرت و پرخاشگری (میرزا آقایی، ۱۳۸۷) از جمله تأثیرات هنر بر ذهن و روان کودکان است.

کودکان به عنوان موجوداتی با حس‌های لطیف، به جنسی از زیبایی نیاز دارند که به رشد روانی و روحی آنان کمک کند و شکل تلطیف یافته‌ای داشته باشد. زیبایی در ادبیات کودکان، شکل خاصی از زیبایی هنری است. همان‌طور که مایکل آنجلو و داوینچی بدون تیشه‌ی مجسمه‌سازی و فلم‌مو از خلاقیت هنری خویش عاجز می‌مانند بدون حضور ادبیات، آفرینش نوشته‌ها و سروده‌هایی که بتواند در خور فهم و عواطف و تخیل کودکان باشد و زیبایی هنری را انتقال دهد امکان‌پذیر نیست.

با این تعبیر ادبیات کودک تلاشی هنرمندانه در قالب کلام است که تأثیرات هنری را در ذهن کودک وسعت می‌بخشد.

۲-۲-۱ ادبیات کودک و آموزش

صاحب‌نظران، تئوری‌های متفاوتی نسبت به مقوله‌ی ادبیات کودک دارند؛ گروهی آن را ابزار آموزش شمرده‌اند و ارائه‌ی جنبه‌های اخلاقی و تربیتی را در اولویت این تعریف قرار داده‌اند. (لمپ، ۱۹۷۰) عده‌ای از مدافعان ادبیات کودک علاوه بر مسئله‌ی آموزش، ارزش‌های ادبی و هنری را نیز به آن افزوده‌اند. کولی و اسلیتر دو تن از متخصصین آموزش زبان، بر آنند ادبیات کودک ابزار ایجاد انگیزش‌های شخصی در بیداری علاقه‌ی دانش‌آموزان و تحریک مثبت آنان، برای آموزش است و می‌تواند با خلق مفاهیم زیبا و لذت‌بخش بر دانش فرهنگی و زبانی تأثیری سودمند و مداوم بگذارد. (کولی، ۱۹۸۷) این افراط تا آنجا پیشرفته است که حتی ادبیات ابزار ارتقای سطح سواد سمعی و بصری کودکان و نوجوانان معرفی شده است. (میلر، ۱۹۹۸) گروهی نیز به ادبیات کودک از منظر زبان‌شناسی نگاه کرده و آن را شکل خیالی زندگی و ایجاد تفکر و تأمل تازه، در فرم و ساختارهای زبانی دانسته‌اند. (هاک، ۱۹۹۷)



آموزشی بودن ادبیات کودک چندان مهم بوده که تفکیک آموزش «مدرسه‌ای» و آموزش «کودک‌محور» هم در نقد ادبیات کودک و هم در روش‌های اخیر تئوری و تکنیک آموزشی، جایگاه ویژه‌ای دارد. (لسنیک، ۱۹۹۴)

تئوری‌های فوق تصدیق می‌کند آنچه برای کودکان نوشته می‌شود باید در زیرمجموعه‌ی آموزش و پرورش قرار گیرد و در نهایت تعریف ادبیات کودک منوط به تحقق امر آموزش و پرورش در اثر است.

لازم به ذکر است رویکردهای جدید ادبیات کودک مقابل این نظریه‌ها قرار دارد تا آنجا که اولویت آموزش در ادبیات کودک حذف و ایجاد حس لذت هنری جایگزین آن شده است.

مسلم است تلفیق هنر، ادبیات و آموزش به شیوه‌ی غیر مستقیم می‌تواند علاوه بر ایجاد حس لذت برای کودکان، در هدفمند کردن و ارتقای سطح ادبیات کودک نقش سازنده‌ای داشته باشد.

۱-۳-۲ ادبیات کودک، تاریخ و فرهنگ

یکی از روش‌های انتقال باورها و اطلاعات تاریخی و فرهنگی استفاده از نوشتار و گفتاری است که این‌گونه مفاهیم را دربرمی‌گیرد.

گروهی ادبیات کودک را ابزار انتقال تاریخ و فرهنگ ملل مختلف معرفی کرده‌اند. فیلیپ آریز، ضمن اشاره به تغییر و تحول این مفهوم ادبیات کودک در ادوار گوناگون، کودکی را ایده‌ای می‌داند که در چارچوب‌های اجتماعی و فرهنگی، به عنوان حامل ارزش‌ها و انگیزه‌های نژادی، اخلاقی و اجتماعی متغیر، ایفای نقش می‌کند. (هانت، ۱۳۸۳)

بر این اساس، ادبیات کودک تنها وابسته به دوران کودکی است و به عنوان مفهومی تاریخ‌مند، هرگونه تغییر و تحول در آن، وابسته به تغییر و تحولات تاریخی و اجتماعی قلمداد می‌شود.

تعمیر فوق نشانگر برداشت‌های گوناگون از درک مفهوم ادبیات کودک است. چنین رویکردهایی بی‌ثمر نبود و سبب ایجاد جریان‌های ادبی قابل ملاحظه‌ای در جهان شد.

در سال ۱۹۹۹ جریان نسبتاً پایداری به وجود آمد که می‌کوشید ادبیات کودکان را در متن تئوری‌های فرهنگی و ادبی و آموزشی مدرن جای دهد و اگرچه با منتقدین زیادی نیز روبرو شد، همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد. (استفان، ۲۰۰۲)

حُسن چنین جریان‌های در ادبیات کودک آن است که علاوه بر گسترش فرهنگ مطالعاتی نظریه‌های تئوریک جدیدتری نیز مطرح و منعکس می‌شود.

در مجموعه‌ی این تعاریف، ادبیات کودک، زبان برتری معرفی شده است که به کمک آن می‌توان به انتقال پیام‌ها و مفاهیم و عواطف و اندیشه‌ها و همچنین تلطیف‌سازی احساسات و نیز آموزش و پرورش تخیل و استعداد کودکان پرداخت.

در کتاب «فهم ادبیات کودک» به تعریف مناسبی برخوردیم که کامل‌تر از دیگر تعاریف است؛ به نظر می‌رسد: ادبیات کودک از دو مفهوم ادبیات و کودک تشکیل شده و هر دو واژه در این ترکیب یکدیگر را تکمیل می‌کنند. به این صورت که متن ادبی به عنوان ادبیات از نظر محتوا و فرم نیازهای کودک را اقیاع می‌کند و به این وسیله بین کودک و ادبیات تعامل رخ می‌دهد، حال اگر نوشته‌ای چنین شرایطی را داشته باشد ادبیات کودک محسوب می‌شود. (هانت، ۱۹۹۹)

از تعریف بالا چنین برمی‌آید که متن ادبی می‌تواند در بردارنده‌ی موضوعات مختلف تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، روان‌شناختی و حتی آموزشی باشد، اما آنچه مهم است ایجاد تعامل بین متن ادبی و کودک است که آن را تبدیل به ادبیات کودک می‌کند.

نتیجه

با کنار گذاشتن تکثر مفهوم کودکی، بر این باوریم که کودکان در جهان مورد توجه قرار گرفته‌اند و پس از به رسمیت شناخته شدن به عنوان انسانی مستقل با حقوق و دنیایی ویژه در جامعه‌ی جهانی، معرفی شدند و در حال حاضر مهم‌ترین دستاورد جامعه

از این شناخت، تلاش بزرگسالان در پیشبرد مطالعه و برنامه‌ریزی و رسیدگی به نیازها و علایق این گروه است. از سویی دیگر شاهدیم که در مجموعه‌ی تعاریف، ادبیات کودک زبانی برتر معرفی می‌شود که به کمک آن می‌توان به انتقال پیام‌ها، مفاهیم، عواطف، اندیشه‌ها و همچنین تلطیف‌سازی احساسات و نیز آموزش و پرورش تخیل و استعداد کودکان پرداخت. کودکان با احساسات لطیف، به نوعی از زیبایی نیاز دارند که به رشد روانی و روحی آنان کمک کند. زیبایی در ادبیات کودکان نیز شکل خاصی از زیبایی هنری است؛ در واقع ادبیات کودک کاربرد واژه‌های ادبی و هنرمندانه برای کودکان است که بدون آن، آفرینش نوشته‌ها و سروده‌هایی که بتواند درخور فهم و عواطف و تخیل کودکان باشد و زیبایی هنری را انتقال دهد، امکان‌پذیر نیست.

منابع:

- ۱- سرورنژاد، مرتضی، معصومیت و تجربه درآمدی بر فلسفه ادبیات کودکان، تهران: مرکز، ۱۳۸۲
- ۲- ورنانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه امیرحسین آریان‌پور و دیگران، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰
- ۳- شاه‌آبادی، حمیدرضا، مقدمه بر ادبیات کودک بحثی در شناخت مفهوم دوران کودکی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۷
- ۴- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه‌ی فردوسی، تهران: نشر پیمان (چاپ مسکو)، ۱۳۷۹
- ۵- گیرشمن، ر، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین. تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۶۸
- ۶- محمدی، محمدهادی، روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان، تهران: روزگاران، ۱۳۷۸
- ۷- میرزاآقایی، حمید، فرهنگ‌سازی برای پرورش کودک خلاق، مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی خلاقیت‌شناسی و نوآوری ایران، بی‌تا، صص ۱۴-۱۵، ۱۳۸۷
- ۸- میرهادی، توران و شورای کتاب کودک، فرهنگ‌نامه‌ی کودکان و نوجوانان، تهران: شرکت تهیه و نشر فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۱
- ۹- هانت، پیتر، دیدگاه‌های نظری و انتقادی در ادبیات کودکان، ترجمه علیرضا کرمانی و علیرضا ابراهیم‌آبادی، تهران: انتشارات آرون، ۱۳۸۳
- ۱۰- نورتون، دونا، شناخت ادبیات کودکان: گونه‌ها و کاربردها از روزن چشم کودک، ترجمه گروهی، تهران: انتشارات قلمرو، ۱۳۸۲

11- Collie, J., and Slater, S. Literature in the Language Classroom. England: Cambridge University Pres, 1987

12- Huck, Charlotte Children's literature in the elementary school. 6th ed. Boston, MA: McGraw-Hill, 1997

13- Hunt, Peter. understanding children's literature. Edit by peter Hunt. England: Routledge, 1999

14- Lamp, p& sanity, M. Children's literature. The International Encyclopedia of Education: pergamon press, 1970

15- Miller, Lynn. Play as a route to literacy. Blackwell Publishing, 1998

16- Stephens, John. Children's Literature, Text and Theory: What are we interested in now. waga: Charles Sturt University, 2001

پی‌نوشت‌ها:

- 1- Philippe Aries
- 2- Gimage
- 3- Alvin
- 4- Mills
- 5- Angelo
- 6- Davenchi
- 7- Collie
- 8- Slater